

حمید عرب، بازیگر:

انرژی خوب روی صحنه بخاطر جو پشت صحنه است

از سابقه خود در همکاری با آقای علی خانی و نقش آفرینی در نمایش های ایرانی بگوئید.
من در اکثر نمایش های آقای حاجی علی خانی حضور داشتم و نمایش ایرانی به خاطر فضایی که دارد یکی از سبک های مورد علاقه من است. فکر می کنم نمایش «ماهرخ» یازدهمین اثر نمایشی ایرانی بوده که من روی صحنه رفته و کار کرده ام.

عطار شخصیت بسیار برجسته ای است و در این نمایش هم شوخی می کند و هم مورد شوخی قرار می گیرد.
شاید برای برخی از مخاطبان همچنان مسئله بود که چرا با عطار نیشابوری اینگونه شوخی می شود و ما در این نمایش روی این کاراکترها به صورت پارودی کار می کنیم. به نظر من جدای از کاراکتر و شخصیت های واقعی این عزیزان که جای خود دارد، این شیوه می تواند راه جذابی باشد برای نزدیک شدن به این کاراکترها و برای اینکه بتوانیم راحت تر با آنها ارتباط برقرار کنیم، به کسانی که جزو مفاخر ما بوده اند و به نظر من این

شوخی ها نه تنها باعث نمی شود که این شخصیت ها تخریب شوند بلکه باعث می شود مخاطب دوست داشته باشد به این کاراکترها نزدیک تر شود و بیشتر در مورد آنها بداند. عطار و نظامی نویسنده دو نمایشی هستند که ما در نمایش «ماهرخ» به آن اشاره می کنیم یعنی لیلی و مجنون و شیخ صنعان از طرفی این کاراکترها را در آن فضای فانتزی که آقای حاجی علی خانی اینجا خلق کرده یعنی همان عالم برزخ و عالم سورتالی می بینیم. بنابراین در این فضای سورئال از نظر ما این امکان وجود دارد که برای این کاراکترها چنین اتفاقاتی رقم بخورد بخصوص که در همین فضا آنها وارد حوزه نمایش می شوند و در کنار ابن سینا نمایشی را بازی می کنند. یعنی این کاراکترها که طنز و تاحدودی با نمک شده اند در واقع در کابوس عزیزالله هستند، عزیزاللهی که کارش نمایش ایرانی بوده بنابراین نظامی، عطار و حتی ابن سینا را اینگونه می بیند.

با توجه به حجم گریم و تعدد تعویض لباس، همینطور تعداد بالای بازیگران فرم و حرکت در پشت صحنه نیاز به هماهنگی و همکاری دقیق است. از حال و هوای

پشت صحنه و تاثیرش بر اجرا بگوئید.
حقیقتش چنان جوی در پشت صحنه ما وجود دارد که باعث می شود که آن حال خوب به تماشاگر انتقال پیدا کند. ما حدوداً ۵۳ نفر هستیم که در پشت صحنه با هم کار می کنیم و به جرات می توانم بگویم جزو عجیب ترین گروه های نمایشی است که تاکنون همکاری داشتیم. همه فوق العاده مودب و پر انرژی هستند، هر کس کار خود را انجام می دهد و همه می دانند که چه باید بکنند و برایم بسیار جالب است اگر پیش بیاید و کسی اشتباهی کند یا چیزی را فراموش کند همه تلاش می کنند که این اشتباه را بپوشانند بدون اینکه کسی بفهمد چه شده و چه کسی اینکار را کرده است بنابراین این جو برای من خیلی جذاب است و اگر می بینید انرژی خوبی روی صحنه حاکم است قطعاً به خاطر این پشت صحنه است به خاطر انرژی خوبی که بهزاد عبدی که یکی از بزرگترین آهنگسازان این مملکت است و در نقش نظامی می درخشد به کار داده همپطور دوستان خوب دیگر حسین رفیعی، بهناز نادری، محسن زرآبادی و دیگر دوستان و بچه های گروه فرم که واقعا فوق العاده هستند و طراح فرمی که در تایم کم بی نظیر کار کرده است.

ابوالفضل حاجی علی خانی، کارگردان:

تئاتر میانبری برای ارتباط و تعامل است

در مورد ایده این نمایشنامه و سبک کاربتان بگوئید.
من از کودکی به هنر و نمایش علاقه داشتم و کارم را با بازیگری آغاز کردم اما به نظر من خلاصه در نمایشنامه های ایرانی وجود دارد و آن عمقی که باید را به اثر نمی دهند که شاید بدین علت است که نمایشنامه نویسان نمی توانند اموراتشان را از طریق نوشتن بگذرانند و آن تعمق و تدبیری که باید در نوشتن نمایشنامه باشد حاصل نمی گردد. شخصاً یک سال و نیم درگیر نوشتن نمایشنامه «ماهرخ» بودم یعنی از زمانی که حرفه اش خورد تا وقتی که ویرایش نهایی اش انجام شد. همانطور که در دیالوگ های اثر هست معتقدم که ادبیات و تاریخ ما سرشار از موضوعات غنی و قوی برای دستمایه قرار دادن و تبدیل کردن به نمایشنامه، فیلم یا سریال است. اما متأسفانه سیاست روز دنیا بر این است که نگاه ملت هایی که یک عقبه غنی و قوی دارند فقط به امروز معطوف شود تا تاریخشان را فراموش کنند و بیشتر درگیر جغرافیا شوند و فراموش کنند از کجا آمده و چه تاریخ و عقبه ای دارند و فکر می کنم این وظیفه هنرمندان و نمایشنامه نویسان است که به این ضعف اشراف داشته باشند و سعی کنند پرچم فرهنگ و هنر را بالا نگه دارند. شخصاً سالتم را در این می دانم که نمایشنامه های خارجی را بخوانم، از شکسپیر، ایپسن و چخوف بیاموزم چرا که آنها جلوتر از ما بودند و بر اساس تکنیکی که از آنها می آموزم آثار ملی ملت خود را احیا کنم و اثری روی صحنه ببرم که هم جنبه سرگرمی و تفریح را فراهم کرده باشم و هم اینکه ایجاد علاقه ای شود برای مخاطب، مخاطبی که ممکن است عطار و نظامی را نشناسد و با دیدن اثر ما علاقه مند شود و آثار این ادبا و حکما را بخواند. بر اساس همین رسالت در تاریخ و ادبیات مان غور می کنم و سعی دارم اکثر نمایشنامه هایی که می نویسم بر همین منوال باشد.

در این نمایش سوالي از طرف عزیرالله مطرح می شود که چرا عطار و نظامی نمایشنامه نوشته اند اما جواب سوال نمایش در نمایشی بر اساس لیلی و مجنون و شیخ صنعاست.
مطمئنم که اگر مولوی، حافظ، سعدی و... در عصر امروز زندگی می کردند دیگر کتاب های قطور نمی نوشتند بلکه فیلم های خوبی تولید می کردند یا نمایشنامه ها و فیلمنامه های خوبی می نوشتند. آن عصر ایجاد می کرد که آنها گنجینه ای را برای نسل بعدی پس انداز کنند و نسل من موظف است که از آن گنجینه و پس انداز استفاده کند و به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی برای مردمش کار تولید کند.

در فرهنگ و عرف ما همچنان روی مسئله شوخی

کردن در بزرگان، ادبا و حکما حساسیت هایی وجود دارد در عین حال نمایش ایرانی یکی از تابوشکن ترین انواع نمایش است و شما با چند چهره برجسته ادبی و علمی در این نمایش شوخی می کنید.
هر چقدر که ما قداست بیشتری برای شخصیت های دینی، سیاسی، ادبی و تاریخی قائل شویم و آنها را دست نیافتنی نشان شان بدهیم مخاطب کمتر به آنها گرایش پیدا خواهد کرد. وقتی مخاطب می بیند که عطار و نظامی که عرفا و شعرا بزرگی بوده اند با بوعلی سینا که طبیب بزرگی بوده مانند خود اوست، نیازهایی همچون خود او دارد و تعاملات و رفتارهای اجتماعی این بزرگان نیز بی شباهت به ما نبوده دیگر آنها را دست نیافتنی دیده و به کشف و شناخت آنها علاقه مند می شوند. از جهتی فکر می کنم که در عین تقدس زدایی باید در شوخی ها اندازه نگه داشت هیچکس در تاریخ بی جهت بزرگ نشده مگر آنکه بزرگواری داشته باشد پس در عین اینکه با شوخی می کنم نباید خدشه ای به بزرگواری اش وارد کنم.

در زمینه گروه حرکت و فرم و دلیل گنجاندن این بخش در اجرا بگوئید.
ما از برزخ تصور خاصی نداریم و هر آنچه هست از تخیل ما سرچشمه می گیرد. اگر ما در این فضای برزخ صرفاً به چند بازیگر اصلی بسنده می کردیم شاید آن هیمنه و هیبت را برایمان فراهم نمی کرد. به نظر من گروه فرم یک قاب شکیل به ما داده که همراه با قطعات موسیقی که نواخته می شود یک جذابیت بصری برای مخاطب ایجاد می کند و به آن هیبت هیمنه و بزرگنمایی هم کمک می کند تا کار بهتر و بزرگتر بشود و در واقع اثر به سمت یک بیگ پروداکشن برود.

در زمینه دکور ساده و مینیمالیستی عمل کرده اید و از مؤلفه های نمایش ایرانی مثل صحنه گرد هم استفاده شده است. اما از طریق نورها تلاش شده تا آن احتشام و انتزاع عالم برزخ و فضا و حال و هوای متفاوت هر قصه و بخش از نمایش شکل بگیرد.
تئاتر مجموعه ای از عناصر مختلفی است که کنار هم چیده می شوند حال اینکه این ترکیب و کلاژ چقدر بر اساس اصول زیبایی شناسی پیش برود به سلیقه و عقیده گروه اجرایی باز می گردد. اما به نظر من نور، دکور، لباس، گریم و موسیقی هر چقدر درست تر و دقیق تر کنار یک کار قرار بگیرند به تعالی آن اثر بیشتر کمک می کنند و ما هم سعی کردیم در این مسیر حرکت کنیم.

از همکاری با محمود مداحی تهیه کننده کار بگوئید.
من از زمان نمایش «فین جین» با آقای مداحی آشنا شدم البته آنجا من فقط نویسنده کار بودم. وقتی دیدم که آقای مداحی در این اوضاع نابسامان فرهنگ و هنر به کار فرهنگی علاقه دارند متن های دیگری به ایشان معرفی کردم که مورد استقبالشان قرار گرفت و بدین ترتیب بنا و اساس همکاری ما گذاشته شد و اگر خدا بخواهد بنا داریم که در آثار بعدی هم با یکدیگر همکاری کنیم. تاجایی که من آقای مداحی را می شناسم می توانم بگویم که ایشان به خاطر دلشان در زمینه فرهنگ و هنر فعالیت می کنند چون حتی در همان نمایش فین جین که نمایش پر فروشی هم بود مبالغی را از جیب هزینه کردند. چون هزینه های کار بالا بود و سالتی هم که در آن اجرا می رفتند بیش از ۱۵۰ مخاطب ظرفیت نداشت به همین علت می توانم بگویم که ایشان منفعت معنوی و دلی را به منفعت مادی و مالی ترجیح می دهند.

چرا تالار حافظ را برای اجرا انتخاب کردید؟
پس از اینکه نمایش «فین جین» در یک پروسه ۶ ماهه ۱۱۲ اجرا رفت و در واقع با رسیدن ایام محرم و صفر که کار متوقف شد تالارهای زیادی با گروه ارتباط برقرار کرده و برای همکاری اعلام آمادگی کردند. خوب سالتن ها نیز به دنبال این هستند که بیلان کاریشان حفظ شود و می خواهند که خروجی خوبی داشته باشند. متأسفانه نمایش ایرانی مورد بی مهری مدیران و بی تعهدی خود هنرمندان قرار گرفته و آنگونه که باید به آن پرداخت نشده است. بنابراین ما به ورطه لوده بازی کشیده شده یا نتوانسته اند قوام خوبی به آن بدهند و بدین ترتیب نمایش ایرانی شاید نمایش در خوری نبوده که سالتن ها به دنبالش باشند. سالتن حافظ نیز در ابتدا برای نمایش فین جین به ما پیشنهاد کار داد اما ما نمایش ماهرخ را در دست تولید داشتیم و پس از صحبت های اولیه در زمینه نمایش ماهرخ موافقت کردند که این نمایش را کار کنیم.

سخن پایانی
من از مخاطبان خواهش می کنم همانگونه که برای خرید یک جفت کفش به ده ها مغازه سر می زنند تئاتر را نیز در سبد خریدشان بگذارند. تئاتر میانبری برای ارتباط و تعامل است و از طریق تئاتر می توان به نحوه تفکر مردم، خواسته ها و مسائل اجتماعی شان آشنا شد. فکر می کنم دیدن نمایش «ماهرخ» حداقل برای یک بار، خالی از لطف نیست و مطمئنم اگر ببینند و اثر را ببینند حتماً برای بار دوم و چندم هم خواهند آمد.

